قتل؛

تعرض وحشیانه به خانم ۳۹ ساله در ساحل

طبق گفته پلیس در ابتدا به این خانم جوان تجاوز شده بود بعد او را به قتل رساندند.

به گزارش سرویس حوادث جام نیوز به نقل از باشگاه خبرنگاران،جسد خانمی ۳۹ ساله که با همسرش برای تعطیلات به جزیره کارائیب رفتند در ساحل پیدا شد.

پلیس صحنه جرم را مهرو موم کرد و به گفته محلیان، پلیس با تفنگ‌های شکاری در حال جست‌وجوی ساحل و بین درختان است که مکانی مناسب برای پنهان شدن است.

در زمان این اتفاق خانم هاردی، خبرنگار مجله زن انگلیسی دراین محل در تعطیلات بود. او می‌گوید در حال استراحت در ساحل بود که ناگهان صدای هیاهوی وحشتناکی بلند شد و مردم شروع کردند به دویدن. وقتی از کارکنان آنجا پرسیدند که چه اتفاقی افتاده آن‌ها چیزی نگفتند طوری که گویا به آن‌ها گوشزد شده بود در این مورد صحبتی به میان نیاورند.

بعد از مدتی مشخص شد که این زوج که شب گذشته به این منطقه رسیدند برای اولین بار شروع به قدم زنی در ساحل کردند. قسمتی از ساحل منطقه‌ای وجود دارد که به هتل و رستوران دید ندارد. در آن منطقه این حادثه اتفاق افتاد و فرد یا افرادی به آن‌ها حمله کردند. همسرش برای آوردن کمک به سمت هتل دوید اما وقتی با کارکنان هتل برگشت، این زن جوان کشته شده بود.

طبق گفته پلیس در ابتدا به این خانم جوان تجاوز شده بود بعد او را به قتل رساندند. پلیس اطلاعات بیشتری در اختیار مردم نگذاشت.

قتل به علت مشکلات روانی؛

پیر مرد مشهدی نوه اش را قربانی کرد

پیرمرد که نوه سه روزه‌اش را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده بود، تحت معاینات تخصصی قرار گرفت تا پزشکان سلامت روحی و روانی او در زمان قتل را بررسی کنند.

نوزاد پیر مرد مشهدی نوه اش را قربانی کرد به گزارش سرویس حوادث جام نیوز به نقل از جام جم، پدر بزرگ تازه از زندان آزاد شده بود. ۱۸ ماه قبل به اتهام سرقت دستگیر و راهی زندان شده بود.

وقتی به خانه آمد، نوه سه روزه‌اش را در آغوش گرفت. ناگهان جمله‌ای را بر زبان آورد که ترس و دلهره را به جان پدر و مادر نوزاد انداخت.

«این بره را باید هر چه زودتر قربانی کنیم.» همه می‌دانستند پدربزرگ مشکل روحی دارد و حتی چند بار هم برای درمان در بیمارستان ابن سینای مشهد بستری شده بود.

به همین خاطر این حرف را تهدیدی از طرف پدربزرگ دانستند؛ تهدیدی که جان نوزاد را به خطر انداخته بود. تنها کاری که به ذهنشان رسید، بستری کردن دوباره پیرمرد در بیمارستان روانی بود. پنجشنبه بود و برای بستری باید تا شنبه صبر می‌کردند. تصمیم گرفتند در این دو روز مراقب پدربزرگ باشند تا به آرش نزدیک نشود.

اما سرنوشتی تلخ برای نوزاد سه روزه رقم خورده بود. صبح جمعه وقتی مادر آرش از خواب بیدار شد از پسرش که در کنارش خوابیده بود خبری نبود.

به همین خاطر همسر و مادر شوهرش را بیدار کرد. پدربزرگ هم نبود. مرد جوان برای یافتن پدر و پسرش از خانه بیرون زد اما از هیچ‌کدام خبری نبود تا این‌که بعد از ساعتی پدربزرگ با لباس خونی وارد خانه شد.

با دیدن لکه‌های خون روی لباس پیرمرد، زن جوان مطمئن شد دیگر نوزادش را نمی‌تواند در آغوش بگیرد.

سرانجام پس از ساعتی جسد نوزاد در فاصله یک کیلومتری خانه کشف شد. بررسی‌ها نشان داد، او با ضربه‌های متعدد چاقو به قتل رسیده است.

با اعلام موضوع به بازپرس جنایی او دستور انتقال جسد نوزاد به پزشکی قانونی و بازداشت پدر بزرگ را صادر کرد.

قاضی حسینی، بازپرس ویژه قتل مشهد در این باره به تپش گفت: پیر مرد پیش از این سابقه مشکلات روحی و روانی داشته و چند بار در بیمارستان بیماران روحی و روانی بستری شده بود. با توجه به این سوابق به تیمی از متخصصان پزشکی قانونی ماموریت دادم تا با معاینات پزشکی سلامت روانی پیرمرد در زمان قتل را بررسی کنند.

وی در ادامه توصیه کرد: بیمارانی که دچار اختلالات روحی و روانی هستند تحت تاثیر بیماری خود ممکن است دست به هر اقدامی بزنند.

به همین خاطر خانواده‌ها باید نظارت بیشتری بر رفتار آنها داشته باشند و در صورت مشاهده هر گونه تغییر رفتاری موضوع را با پزشک معالج آنها در میان بگذارند. این افراد امکان دارد تحت تاثیر بیماری اقدام به خودکشی و دیگر کشی کنند.

انتقام بی شرمانه دختر نوجوان از همکلاسی اش

دیگر دوست نداشت لیلا را در مدرسه ببیند. می‌خواست کاری کند که دوست دیروز و دشمن امروز برای همیشه مجبور به ترک تحصیل شود. تنها راهی که به ذهنش رسید، انتشار عکس‌های او بود تا شاید به‌خاطر آبروی از دست رفته‌اش ترک تحصیل کند، اما با این کار خودش را با دردسری بزرگ روبه‌رو کرد.

فیلترینگ تلگرام چندروزی به تعویق افتاد انتقام بی شرمانه دختر نوجوان از همکلاسی اش

به گزارش سرویس حوادث جام نیوز به نقل از جام جم، هفته گذشته دختر نوجوانی همراه والدینش به پلیس فتای استان گلستان رفت و از انتشار عکس‌های خصوصی‌اش در تلگرام و واتس‌اپ خبر داد.

دختر نوجوان در شکایتش گفت: از چند روز پیش مردان و پسران جوانی با گوشی تلفن همراهم تماس می‌گرفتند و قصد دوستی و دعوت کردن من به خانه‌شان را داشتند.

هرچه به آنها می‌گفتم من یک دختر دانش‌آموز هستم و مرا با فرد دیگری اشتباه گرفته‌اید و مزاحمم نشوید، بی‌فایده بود.

آنها مدعی بودند که من عکس‌هایم را همراه شماره تلفنم در تلگرام و واتس‌آپ به‌عنوان زنی که مایل به ارتباط دوستی بوده کرده‌ام.

به همین خاطر می‌خواهند که با من دوست شوند. ابتدا حرف‌هایشان را باور نکردم تا این که با بررسی موضوع در تلگرام و واتس‌اپ متوجه شدم گفته‌های افراد تماس گیرنده صحت دارد و عکس‌های خصوصی‌ام همراه شماره تلفن همراهم

پخش شده است.

وی اضافه کرد: شوکه شده بودم. نمی‌دانستم چه کسی و با چه انگیزه‌ای به این کار دست زده است. این مزاحمت اینترنتی و در ادامه آن مزاحمت‌های تلفنی که برایم ایجادشده بود منجر به آن شده که آبروی خانوادگی من و خانواده‌ام به خطر بیفتد.

حتی چندبار خواستم با اتفاقی که پیش آمده دست به خودکشی بزنم که نتوانستم. نمی‌دانم عکس‌های خصوصی ام چگونه به دست مزاحم اینترنتی رسیده که او اینچنین با زندگی من و خانواده‌ام بازی کرده است.

همزمان با شکایت این دانش‌آموز و خانواده‌اش، تحقیقات پلیس فتا برای شناسایی و دستگیری متهم اینترنتی آغاز شد تا این که ماموران فتا به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد یک دختر نوجوان دست به این کار زده است. بنابراین او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و به پلیس فتا منتقل شد.

دختر ۱۶ ساله در اظهاراتش گفت: من و شاکی همکلاسی هستیم و بسیار صمیمی بودیم. به خاطر اعتمادی که به هم داشتیم هر جا که می‌رفتیم از یکدیگر عکس می‌گرفتیم.

اما دو ماه پیش میان ما اختلاف‌هایی به وجود آمد و با هم دعوا کردیم و دیگر با هم حرف نمی‌زدیم. برای این‌که از او انتقام بگیرم و کاری کنم که حتی دیگر به مدرسه نیاید، دست به این کار زدم.

تعدادی از عکس‌هایی را که از او در گوشی تلفن همراهم داشتم در تلگرام و واتس‌اپ همراه شماره تلفن همراهش و مطالب غیراخلاقی که درباره وی در آنجا نوشته بودم منتشر کردم.

گمان می‌کردم با این کار او ترک تحصیل کرده و دیگر او را نخواهم دید، غافل از این که با این کار خود را به دردسر می‌اندازم.

سرهنگ حبیب‌الله رجبلی، رئیس پلیس فتای استان گلستان در این باره گفت: از مردم خواستاریم عکس‌های خصوصی خود را در اختیار دیگران حتی دوستان صمیمی خود و اقوامشان قرار ندهند.

زیرا ممکن است در صورت بروز اختلاف و دعوا میان آنها مشخصات و تصاویر آنها مورد سوءاستفاده قرار بگیرد و موقعیت شخصی، کاری یا خانوادگی آنها به خطر بیفتد.

همچنین در صورت بروز چنین مشکلاتی موضوع را به پلیس فتا اطلاع دهند تا پلیس در این زمینه اقدام‌های لازم را انجام دهد.

مجرمان اینترنتی هم آگاه باشند که اگر دانسته یا نادانسته دست به جرایم اینترنتی بزنند مجازات‌های سختی از جمله حبس در انتظارشان است و این زنگ خطری است برای افرادی که سودای جرایم اینترنتی را در سر می‌پرورانند.

جزییات آزارو اذیت دختران در پراید ۱۱۱

به گزارش قدس آنلاین خانم جوانی با مراجعه به کلانتری ۱۳۲ شهرزیبا به مأموران اعلام کرد که توسط راننده جوان یک دستگاه خودرو پراید ۱۱۱ (هاچ بک) سفید رنگ مورد زورگیری و سرقت قرار گرفته است.

پرونده در اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع زورگیری و به دستور دادیار اول دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، پرونده جهت رسیدگی در اختیار اداره پنجم مبارزه با سرقت های بعنف پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

اظهارات مالباخته (شاکیه)

خانم جوان (شاکیه) پس از حضور در اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ به کارآگاهان گفت: در مورخه ۹/۱۰/۳۹۴به عنوان مسافر، از فلکه دوم صادقیه به مقصد میدان آزادی سوار یک دستگاه خودرو پراید سفید رنگ شدم؛ پس از طی مسافتی کوتاه، ناگهان راننده جوان پراید با سلاح سرد به سمت من حمله ور شد و مبلغ ۲۰۰ هزار تومان وجه نقد و گوشی تلفن همراه مرا سرقت کرد.

شاکیه در ادامه اظهاراتش با اشاره به این مطلب که راننده پراید قصد آزار و اذیت او را نیز داشته اما وی در برابرش مقاومت کرده، به کارآگاهان گفت: با وجود سرقت تمامی پول ها و گوشی تلفن همراهم، متوجه شدم که راننده پراید قصد آزار و اذیت مرا دارد اما من به شدت در برابرش مقاومت کردم؛ او نیز با مشاهده مقاومت شدید من در برابرش که حتی به ضرب و شتم من نیز انجامید، مرا در خیابان آزادی از ماشین به بیرون پرتاب کرد و خودش با ماشین از محل فرار کرد.

طرح شکایات مشابه

همزمان با طرح اولین شکایت در خصوص زورگیری و آزار اذیت زنان توسط راننده خودرو پراید هاچ بک سفید رنگ، شکایات مشابه دیگر در مناطق غرب و شمال غرب تهران به ویژه در مناطق آریاشهر، تهرانسر، استاد معین، صادقیه و طرشت به پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شد.

شناسایی و دستگیری متهم

کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی با بررسی مشخصات اعلام شده در خصوص نوع و رنگ خودرو، شخص راننده و ... اطمینان پیدا کردند که جرایم اخیر در خصوص زورگیری و قصد آزار و اذیت زنان جوان، همگی توسط یک نفر صورت گرفته است؛ لذا با استفاده از اطلاعات بدست آمده از شکات، انجام چهره نگاری و بهره گیری از بانک اطلاعاتی مجرمین سابقه دار پلیس آگاهی موفق به شناسایی یکی از مجرمین سابقه دار بنام «مهدی. الف» (۲۵ ساله) شدند که در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۱ نیز دستگیر و روانه زندان شده بود.

با شناسایی دقیق تصویر متهم توسط شکات و مالباختگان، مخفیگاه وی نیز در بلوار فردوس حسن آباد شناسایی و سرانجام کارآگاهان با اطمینان از حضور وی در داخل مخفیگاهش، متهم را ۲۹ دیماه و در زمان خواب و استراحت نیمروزی دستگیر و به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل کردند.

طرح دوستی و آشنایی با دختران از طریق شبکه های مجازی

در بازرسی از مخفیگاه «مهدی. الف»، کارآگاهان موفق به کشف تعداد زیادی گوشی های تلفن همراه، کیف های زنانه و همچنین تعداد قابل توجهی مدارک شناسایی متعلق به خانم های جوان از مخفیگاه متهم شدند؛ متهم در اعترافات اولیه مدعی شد که تمامی آنها را به شیوه ای یکسان و در پوشش مسافرکشی سرقت کرده اما پس از شناسایی تعدادی از شکات جدید و مراجعه آنها به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ مشخص شد که متهم علاوه بر شیوه زورگیری به شیوه مسافرکش، در شبکه های مجازی بویژه تلگرام نیز فعالیت داشته و در این شبکه ها پس از آشنایی اولیه با دختران و زنان جوان، ابتدا به قصد ایجاد اطمینان پیشنهاد ازدواج را مطرح و در ادامه اقدام به سرقت اموال نموده است.

یکی از شکات با طرح این موضوع که متهم با طرح پیشنهاد ازدواج قصد فریب وی را داشته اما موفق به این امر نگردیده، به کارآگاهان گفت : بنده از طریق تماس و پیام های مکرر شخصی ناشناس که بعدا مشخص شد نامش مهدی است، با این شخص آشنا شدم؛ در همان تماس های اولیه، مهدی به من پیشنهاد ازدواج داد. در همان [جلسه] اول ملاقات بود که متوجه شدم او قصد فریب مرا دارد اما در برابر خواسته اش مقاومت کردم.

شاکی در خصوص سرقت اموالش توسط متهم نیز به کارآگاهان گفت: پس از آنکه مهدی متوجه شد نمی تواند [با چرب زبانی] مرا فریب دهد، به بهانه خرید خوراکی از سوپر مارکت مرا از ماشین پیاده کرد؛ در حالیکه کیف دستی ام حاوی مقادیری پول، گوشی تلفن همراه و ... در داخل ماشین قرار داشت، مهدی [به بهانه برداشتن کیف پول] مجددا به محل پارک خودرو مراجعه و در یک لحظه از محل متواری شد.

انگیزه متهم

متهم پرونده در همان مراحل اولیه تحقیقات عنوان داشت که به هیچ عنوان با انگیزه مالی اقدام به ارتکاب جرایم خود نکرده و این اقدامات مجرمانه را صرفا به قصد «انتقام گیری» انجام داده است.

سرهنگ کارآگاه داوود فرد، معاون مبارزه با سرقت های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبربه خبرنگار مهر گفت: با توجه به «اعتراف صریح متهم به سرقت و زورگیری از زنان جوان»، «تلاش برای فریب آنها از طریق طرح دوستی و یا پیشنهاد ازدواج» و «شناسایی تعدادی از شکات و مالباختگان»، قرار قانونی از سوی مقام محترم قضایی صادر و متهم جهت انجام تحقیقات تکمیلی و شناسایی سایر جرایم ارتکابی در اختیار اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است؛ لذا از کلیه شکات بویژه بانوانی که توسط راننده جوان یک دستگاه خودرو پراید ۱۱۱ (هاچ بک) سفید رنگ مورد سرقت و یا آزار و اذیت قرار گرفتند دعوت می شد تا جهت شناسایی متهم و پیگیری شکایات خود به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند.

دختر افغانی از خانه فرار کرد؛

فروش دختر نوجوان در ازای ۱۶ میلیون تومان!

دختر نوجوان وقتی متوجه شد پدر پیرش او را ۱۶ میلیون تومان به یک دستفروش فروخته است، از خانه فرار و از پدرش شکایت کرد.

به گزارش سرویس حوادث جام نیوز به نقل از جام جم، روز گذشته دختر نوجوانی با مراجعه به دادسرای یافت‌آباد از قاضی پرونده‌اش درخواست کرد اجازه ندهد پدر پیرش او را در برابر دریافت پول، شوهر دهد. دختر ۱۷ ساله به نام زیبا که خود را تبعه افغانستان معرفی می‌کرد، به قاضی پرونده گفت: حدود ۲۴ سال قبل پدر و مادرم از افغانستان به ایران آمده و در خیابان زمزم ساکن شدند. من در ایران به دنیا آمدم و در هفت سالگی به مدرسه رفتم. وقتی سه کلاس درس خواندم پدرم با ادامه تحصیلم مخالفت کرد و خانه‌نشین شدم.

۱۲ ساله بودم که پدرم بحث ازدواج با پسر جوانی را مطرح کرد که من مخالفت کردم. او همیشه دوستانش را برای مصرف مواد مخدر به خانه می‌آورد و خانه برایم جهنم شده بود تا این که دو ماه قبل پدرم گفت، یکی از دوستانش مرا برای پسرش که در مشهد است خواستگاری کرده و پدرم نیز مرا با دریافت ۱۶ میلیون تومان به او فروخته است. پدرم گفت ۹ میلیون تومان از این پول را پیش گرفته و قرار است وقتی من نزد او رفتم، بقیه پول را بگیرد. او سه خواهر دیگرم را هم با گرفتن پول فروخته بود و برخی از آنها حتی ازدواج هم نکرده‌اند و به نوعی برده شده‌اند.

وی اضافه کرد: یادم می‌آید ده سال قبل یکی از خواهرانم را وقتی ۱۲ ساله بود با دریافت ۸۰۰ هزار تومان به مردی ۳۵ ساله فروخت که بعد از مدتی خواهرم از خانه مرد خریدار گریخت. دو خواهر دیگرم نیز به همین شیوه ازدواج کردند و الان در افغانستان و مشهد به زور با مردانی که هیچ علاقه به آنها ندارند، زندگی می‌کنند. پسر ۲۵ساله را که قرار بود با دریافت پول به خانه‌اش بروم، دوبار دیده بودم و می‌دانستم در مشهد دستفروش است و جوراب می‌فروشد. هیچ حسی به او نداشتم و نمی‌خواستم در برابر پول زن کسی بشوم که دوستش ندارم به همین دلیل با پدرم مخالفت کردم که او کتکم زد و گفت تو را فروخته ام و باید زن پسر جوراب فروش شوی، نمی‌دانستم چه کنم اما همچنان جواب من منفی بود تا این که پدرم مرا در اتاق حبس کرد.

دختر نوجوان ادامه داد: دو روز زندانی بودم تا این که فهمیدم پسر جوان می‌خواهد به تهران بیاید و مرا به زور به مشهد ببرد. هیچ راهی نداشتم تا این که از پنجره اتاقم در طبقه اول به خیابان پریده و شبانه از خانه فرار کردم. البته با این کار مشکلاتم شروع شد. هشت روز صبح‌ها در خیابان می‌چرخیدم و شب‌ها نیز در پارک می‌خوابیدم. سه روز قبل یادم آمد که یک فامیل در رباط‌کریم داریم به همین خاطر با او تماس گرفتم و او به دنبالم آمد و سه روز است در خانه او زندگی می‌کنم.

در این مدت یک بار با پدرم صحبت کردم که او ادعا کرد تو زن پسر جوراب‌فروش شو تا من بقیه پول را بگیرم و یک ماه بعد خودم طلاقت را می‌گیرم. می‌دانستم دروغ می‌گوید و فقط به دنبال پول است به همین دلیل به خانه بازنگشتم. آقای قاضی من می‌خواهم در ایران درس بخوانم و قصد ازدواج ندارم از شما هم می‌خواهم پدرم را منصرف کنید.

فرجام ارتباط مرد جوان با زن شوهردار

دیوان عالی کشور حکم مجازات زن‌ومردی جوان را که برای ازدواج با یکدیگر، اقدام به قتل شوهر زن کرده بودند، تأیید کرد.

روزنامه شرق: دیوان عالی کشور حکم مجازات زن‌ومردی جوان را که برای ازدواج با یکدیگر، اقدام به قتل شوهر زن کرده بودند، تأیید کرد.

مرداد سال گذشته پلیس، جسد مردی جوان را در شهریار پیدا کرد که مشخص بود قبل از مرگ درگیری داشته و جراحت‌های شدیدی بر بدنش وارد شده است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی‌قانونی، مردی به مأموران خبر داد پسرش سیروس گم شده است و چندین روز از گم‌شدن وی می‌گذرد اما همسرش این موضوع را نه به پلیس گزارش داده و نه اینکه به پدرشوهرش چیزی گفته است.

مأموران متوجه شدند جسدی که پیدا کرده‌اند، متعلق به سیروس است و هویت جسد نیز توسط پدر وی مورد تأیید قرار گرفت. وقتی پلیس سراغ همسر سیروس رفت، او گفت قبلا هم پیش آمده بود که شوهرش چند روزی به خانه نرود به‌همین‌دلیل هم گم‌شدن او را گزارش نکرده است اما تحقیق درباره زندگی خصوصی آنها نشان داد همسر سیروس با مردی به نام محسن، رابطه دارد.

با بازداشت محسن وی به قتل اعتراف کرد و گفت: من با همسر سیروس رابطه داشتم البته رابطه من اول با سیروس بود با هم دوست بودیم چندباری به خانه‌اش رفتم و بعد عاشق زنش شدم و به او پیشنهاد رابطه دادم که او هم قبول کرد. بعد از مدتی آن‌قدر به‌هم علاقه‌مند شدیم که تصمیم به ازدواج گرفتیم اما سیروس قبول نمی‌کرد زنش را طلاق دهد به‌همین‌دلیل هم نقشه قتل او را طراحی کردیم.

روز حادثه من او را سوار ماشینم کردم و به محلی بردم، بعد به بهانه اینکه ماشینم خراب شده، او را پیاده کرده و با ماشین به او کوبیدم و چندبار از رویش رد شدم. متهم گفت: به تصور اینکه زنده است، او را سوار ماشین کردم به بالای تپه‌ای بردم و از آنجا به پایین پرت کردم. با اعتراف متهم به قتل، محسن و همسر سیروس بازداشت شدند.

پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه چهار دادگاه کیفری شماره یک استان تهران فرستاده شد و متهمان پای میز محاکمه رفتند. محسن یک‌بار دیگر به قتل اعتراف کرد و جزئیات را توضیح داد. وقتی نوبت به متهم ردیف دوم یعنی همسر سیروس رسید، او گفت: اتهام را قبول ندارم. من این کار را نکردم. اصلا در جریان نبودم که او قصد دارد شوهرم را بکشد دراین‌باره به من چیزی نگفته بود، من بی‌دلیل متهم شدم.

با پایان جلسه رسیدگی، هیأت قضات وارد شور شدند و محسن را به جرم مباشرت در قتل عمدی سیروس به قصاص و به جرم رابطه نامشروع به ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند. همسر سیروس هم از اتهام معاونت در قتل تبرئه شد اما درخصوص رابطه نامشروع مجرم شناخته شده و به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد. رأی صادره با اعتراض متهمان به دیوان عالی کشور رفت، اعتراض وارد دانسته نشد، اما مورد تأیید قرار گرفت.

حمله پلنگ به یک چوپان در ایرانشهر

یک چوپان وقتی دید در حمله پلنگ، گوسفندانش یکی پس از دیگری تلف می‌شوند نمی‌دانست که خیلی زود نوبت خودش نیز خواهد رسید.

به گزارش ایرنا، رئیس اداره محیط زیست ایرانشهر گفت: حمله پلنگ به گله، چوپان ۶۳ ساله را زخمی کرد و ۱۶ رأس گوسفند در این شهر تلف شد.

محمد انور هاشمزهی اظهار داشت: روز سه‌شنبه «قلی بلوچی» مورد حمله یک پلنگ قرار گرفت به طوری که این چوپان ۶۳ ساله از ناحیه صورت، دست و پا زخمی و برای مداوا به بیمارستان خاتم الانبیای ایرانشهر منتقل شد.

وی ادامه داد: همچنین در حمله پلنگ ایرانی به گله این چوپان، ۱۶ گوسفند نیز تلف شدند.

رئیس اداره محیط‌زیست ایرانشهر اظهار داشت: همه خسارت دام‌های تلف شده و هزینه درمان این چوپان از سوی اداره حفاظت محیط‌زیست به وی پرداخت می‌شود.

هاشمزهی بیان کرد: پلنگ به دلیل اینکه حیوان مغروری است در شرایط تحت فشار بسختی محل را ترک می کند بنابر این انتظار می رود اگر مردم منطقه با این حیوان مواجه شدند هرگز سعی نکنند به او حمله کنند یا با پرتاب سنگ و چوب او را تحریک کنند بلکه او باید آزاد باشد تا خودش از محل دور شود.

چوپان زخمی شده ایرانشهری نیز گفت: به قصد جلوگیری از تلف شدن بیشتر گوسفندان به طرف پلنگ رفتم که در یک لحظه کوتاه مرا زخمی کرد. این چوپان ۶۳ ساله ایرانشهری افزود: اگر مردم منطقه به کمکم نمی‌آمدند معلوم نبود سرنوشتم چه می‌شد.

فروش و نصب
انواع سردخانه های ثابت و متحرک
سرد خانه جسد و بیمارستانی ، آیس بانک
تونل انجماد ، یخسازهای قالبی و پودری
سرما گستر لامرد
مدیر مسئول : زمانی
۰۹۱۷ ۷۸۲ ۲۴۱۵
لامرد / سه راه زیارت / جنب مجتمع تجاری مسکونی باقری